

معرفی نامه به عبرانیان

نامه به عبرانیان خطاب به مسیحیان یهودی نژادی نوشته شده است که احتمالاً به سبب درک نادرستشان از مقام و کار عیسی مسیح، در خطر بازگشت به کیش سابق خود بودند. از این رو، نویسنده در آغاز مسیح را به عنوان مکاشفه حقیقی و نهایی خدا معرفی می کند و برتری او را بر فرشتگان و موسی و کهانت یهود ثابت می نماید. او با تأکید بر سه حقیقت مسلم به این کار دست می زند: (۱) عیسی پسر ازلی و ابدی خداست، لذا برتر از انبیا عهدعتیق، فرشتگان و موسی است. (۲) خدا عیسی را کاهنی ابدی اعلام کرده است، پس او برتر از کاهنان عهدعتیق است. (۳) عیسی مؤمنان را از گناه، ترس و مرگ رهایی می بخشد و در مقام کاهن اعظم، نجات و رستگاری حقیقی را برای آنان به ارمغان می آورد. نظام قربانیه و مراسم دینی یهود، تنها سایه ای از این نجات عظیم است.

نویسنده با اشاره به ایمان شخصیت های برجسته تاریخ قوم اسرائیل (فصل ۱۱)، خوانندگان را به پایداری در ایمان تشویق می کند و در فصل دوازدهم از ایشان می خواهد که با چشم دوختن به عیسی، ایمان خود را با وجود همه مصیبت ها و سختی ها، تا به آخر حفظ کنند. کتاب با بیان مطالبی پندآمیز و هشدارگونه به پایان می رسد.

تقسیم بندی کلی

- ۱- مقدمه: مسیح، مکاشفه کامل خدا (۱:۱-۳)
- ۲- برتری مسیح بر فرشتگان (۴:۱ تا ۱۸:۲)
- ۳- برتری مسیح بر موسی و یوشع (۱:۳ تا ۱۳:۴)
- ۴- برتری کهانت مسیح (۴:۴ تا ۲۸:۷)
- ۵- برتری عهد مسیح (۱:۸ تا ۲۸:۹)
- ۶- برتری قربانی مسیح (۱:۱۰-۳۹)
- ۷- اهمیت ایمان (۱:۱۱ تا ۲۹:۱۲)
- ۸- نصایح و بخش پایانی (۱:۱۳-۲۵)

رساله به عبرانیان

پسر خدا برتر از فرشتگان

در گذشته، خدا بارها و از راههای گوناگون به واسطهٔ پیامبران با پدران ما سخن گفت،^۱ اما در این زمانهای آخر به واسطهٔ پسر خود با ما سخن گفته است، پسری که او را وارث همه چیز مقرر داشت و به واسطهٔ او جهان را آفرید.^۲ او فروغ جلالِ خدا و مظهر کامل ذات اوست، و همه چیز را با کلام نیرومند خود نگاه می‌دارد. او پس از پاک کردن گناهان، به دست راست مقام کبریا در عرش برین بنشست.^۳ پس به همان اندازه که نامی برتر از فرشتگان به میراث بُرد، از مقامی والاتر از آنها نیز برخوردار شد.

^۴ زیرا خدا تاکنون به کدامیک از فرشتگان گفته است:

«تو پسر من هستی؛

امروز، من تو را پدر شده‌ام»*؟

و یا:

«من او را پدر خواهم بود،

و او مرا پسر خواهد بود»؟

^۶ بلکه آن هنگام نیز که فرزند ارشد را به جهان می‌آورد، می‌فرماید:

«همهٔ فرشتگان خدا او را بپرستند.»

^۷ حال آنکه دربارهٔ فرشتگان می‌گوید:

«فرشتگانش را بادها می‌سازد،

۵:۱ یا: «امروز من تو را مولود ساخته‌ام».

۵:۱ مزمور ۷:۲. ۵:۱ دوم سموئیل ۷:۱۴ و اول تواریخ ۱۷:۱۳. ۶:۱ تثنیه

۴۳:۳۲ (ترجمهٔ LXX).

و خادمانش را شعله‌های آتش.»

۸ اما دربارهٔ پسر می گوید:

«تخت سلطنت تو، ای خدا، تا ابد پایدار خواهد ماند،

و عدالت، عصای پادشاهی تو خواهد بود.

۹ تو درستکاری را دوست داشته و از نادرستی بیزار بوده‌ای؛

پس خدا، خدای تو، تو را با روغن شادمانی مسح کرده،

و این گونه تو را مقامی والاتر از همقطارانت بخشیده است.»

۱۰ و نیز می فرماید:

«تو بودی، ای خداوند، که در آغاز بنیاد زمین را نهادی،

و آسمان صنعت دست توست.

۱۱ آنها از میان خواهند رفت، اما تو بر جا می مانی؛

همه آنها همچون لباس، مندرس خواهند گشت.

۱۲ آنها را چون ردایی در هم خواهی پیچید،

و به سان جامه‌ای جایگزین خواهند شد.

اما تو همان که بودی، باقی می مانی،

و سالهای تو را پایانی نخواهد بود.»

۱۳ خدا تاکنون به کدام یک از فرشتگان گفته است:

«به دست راست من بنشین

تا آن هنگام که دشمنانت را کرسی زیر پایت سازم»؟

۱۴ مگر آنها جملگی روحهایی خدمتگزار نیستند که برای خدمت به وارثان آینده

نجات فرستاده می شوند؟

ضرورت جدی گرفتن نجات

۲ پس بر ماست که به آنچه شنیده‌ایم با دقت هر چه بیشتر توجه کنیم، مبادا از آن منحرف شویم. ^۲ زیرا اگر پیامی که به واسطه فرشتگان بیان شد الزام‌آور بود، آن گونه که هر سرپیچی و نافرمانی مجازاتی برحق می‌یافت، ^۳ پس ما چه راه گریزی خواهیم داشت اگر چنین نجاتی عظیم را نادیده بگیریم؟ این نجات در آغاز به واسطه خداوند بیان شد و سپس توسط آنان که از او شنیدند بر ما ثابت گردید، ^۴ در حالی که خدا نیز بر آن گواهی می‌داد، با آیات و عجایب و معجزات گوناگون، و عطایای روح القدس، که آنها را بنا به خواست خود تقسیم می‌کرد.

عیسی خود را همانند برادران خویش می‌سازد

^۵ او جهان آینده را که از آن سخن می‌گوییم، زیر فرمان فرشتگان قرار نداد. ^۶ اما شخصی در جایی شهادت داده، گفته است:
 «انسان چیست که تو در فکرش باشی،
 و پسر انسان، که به او روی نمایی؟
^۷ او را اندک زمانی * پایتتر از فرشتگان ساختی،
 و تاج جلال و اکرام را بر سرش گذاشتی
^۸ و همه چیز را زیر پای او نهادی.»

خدا با قرار دادن همه چیز زیر فرمان او، چیزی باقی نگذاشت که مطیع وی نباشد. اما در حال حاضر، هنوز نمی‌بینیم که همه چیز زیر فرمان او باشد. ^۹ اما عیسی را می‌بینیم که اندک زمانی پایتتر از فرشتگان قرار گرفت، ولی اکنون تاج جلال و اکرام بر سرش نهاده شده است، چرا که از رنج مرگ گذشت تا بر حسب

۷:۲ یا: «او را اندکی»؛ همچنین در آیه ۹.

۸:۲ مزمور ۸: ۴-۶.

فیض خدا برای همه طعم مرگ را بچشد.

^{۱۰} بجا بود خدا که همه چیز برای او و به واسطه او وجود دارد، برای اینکه پسران بسیار را به جلال برساند، قهرمان^{*} نجات ایشان را از راه تحمل رنج، کامل گرداند. ^{۱۱} زیرا او که مقدس می سازد و آنان که مقدس می شوند، همه از یک تبارند. از همین رو، عیسی عار ندارد ایشان را برادر بخواند. ^{۱۲} چنانکه می گوید:

«نام تو را به برادرانم اعلام خواهم کرد؛

و در میان جماعت، حمد تو را خواهم سرایید.»

^{۱۳} و باز می گوید:

«من بر او توکل خواهم کرد.»

و باز:

«اینک من، و فرزندان من که خدا به من عطا کرده است.»

^{۱۴} از آنجا که فرزندان از جسم و خون برخوردارند، او نیز در اینها سهیم شد تا با مرگ خود، صاحب قدرت مرگ یعنی ابلیس را به زیر کشد، ^{۱۵} و آنان را که همه عمر در بندگی ترس از مرگ به سر برده اند، آزاد سازد. ^{۱۶} زیرا مسلم است که او نه فرشتگان، بلکه نسل ابراهیم را یاری می دهد. ^{۱۷} از همین رو، لازم بود از هر حیث همانند برادران خود شود تا بتواند در مقام کاهن اعظمی رحیم و امین، در خدمت خدا باشد و برای گناهان قوم کفاره کند. ^{۱۸} چون او خود هنگامی که آزموده شد، رنج کشید، قادر است آنان را که آزموده می شوند، یاری رساند.

برتری عیسی بر موسی

۳ پس ای برادران مقدس که در دعوت آسمانی شریک هستید، اندیشه خود را بر عیسی معطوف کنید که اوست رسول و کاهن اعظمی که بدو معترفیم.

۱۰:۲ یا «بانی».

۱۳:۲ اِشْعِیَا ۸:۱۸.

۱۳:۲ اِشْعِیَا ۸:۱۷.

۱۲:۲ مزمور ۲۲:۲۲.

۲ او نسبت به کسی که او را برگماشت امین بود، همان‌گونه که موسی نیز در تمام خانه خدا امین بود. ۳ اما به همان اندازه که حرمت سازنده خانه از خود خانه بیشتر است، عیسی نیز لایق حرمتی بیش از موسی شمرده شد. ۴ زیرا هر خانه‌ای به دست کسی بنا می‌شود، اما بانی همه چیز خداست. ۵ موسی در مقام خادم در تمام خانه خدا امین بود تا بر آنچه می‌بایست در آینده گفته شود، شهادت دهد. ۶ اما مسیح، در مقام پسر صاحب‌اختیار بر خانه خدا امین است. و خانه او ما هستیم، به شرطی که آزادی * خود را حفظ کنیم و در مباحثات به امید خود همچنان پایدار بمانیم.

۷ پس همان‌گونه که روح القدس می‌فرماید:

«امروز، اگر صدای او را می‌شنوید،

۸ دل خود را سخت مسازید،

چنانکه در ایام ترمز کردید،

به هنگام آزمایش در بیابان.

۹ آنجا پدران شما مرا آزمایش و امتحان کردند،

با اینکه چهل سال کارهای مرا دیده بودند.

۱۰ به همین سبب، از آن نسل خشمگین بودم

و گفتم: «اینان همواره در دل خود گمراهند،

و راههای مرا نشناخته‌اند؛»

۱۱ پس در خشم خود سوگند خوردم

که به آسایش من هرگز راه نخواهند یافت.»

۱۲ ای برادران، هشیار باشید که از شما کسی دل شَرور و بی‌ایمان نداشته باشد

که از خدای زنده رویگردان شود. ۱۳ بلکه هر روز، تا آن زمان که هنوز «امروز»

خوانده می‌شود، یکدیگر را پند دهید تا کسی از شما در اثر فریب گناه، سختدل نشود.^{۱۴} از آن رو که در مسیح شریک شده‌ایم، تنها به شرطی که اطمینان آغازین خود را تا به آخر استوار نگاه داریم.^{۱۵} چنانکه هم‌اکنون گفته شد:

«امروز، اگر صدای او را می‌شنوید،

دل خود را سخت مسازید،

چنانکه در ایام تمرد کردید.»

^{۱۶} مگر آنان که شنیدند و با وجود آن سرپیچی کردند، چه کسانی بودند؟ آیا همهٔ آنانی نبودند که موسی از مصر به در آورد؟^{۱۷} و از چه کسانی چهل سال خشمگین بود؟ مگر نه آنان که گناه کردند و اجسادشان در بیابان افتاد؟^{۱۸} و دربارهٔ چه کسانی سوگند خورد که به آسایش او هرگز راه نخواهند یافت؟ مگر نه همانها که نافرمانی* کردند؟^{۱۹} پس می‌بینیم به سبب بی‌ایمانی بود که نتوانستند راه بیابند.

آسایش شَبَّات برای قوم خدا

۴ پس بهوش باشیم مبادا با اینکه وعدهٔ راه یافتن به آسایش او هنوز به قوت خود باقیست، آشکار شود که احدی از شما، از دست یافتن به آن باز مانده است. زیرا به ما نیز چون ایشان بشارت داده شد. اما پیامی که شنیدند، سودی برایشان نداشت، زیرا با آنان که گوش فرا دادند به ایمان متحد نشدند.*^۲ ولی ما که ایمان آورده‌ایم، به آن آسایش راه می‌یابیم. چنانکه خدا فرموده است:

«پس در خشم خود سوگند خوردم

که هرگز به آسایش من راه نخواهند یافت،»

و با این‌همه، کارهای او از زمان آفرینش جهان به پایان رسیده بود؛^۴ زیرا در

۱۸:۳ یا «بی‌ایمانی».

۲:۴ یا: «زیرا شنوندگان، آن را با ایمان نیامیختند».

۱۵:۳ مزمو ۷:۹۵ و ۸. ۳:۴ مزمو ۱۱:۹۵؛ همچنین در آیهٔ ۵.

جایی راجع به روز هفتم بیان می‌کند که: «در روز هفتم، خدا از همه کارهای خود برآسود،»^۵ و باز در قسمتی که در بالا نقل شد، می‌گوید: «هرگز به آسایش من راه نخواهند یافت.»

^۶ بنابراین، از آنجا که این حقیقت به قوت خود باقی است که برخی می‌باید به آن آسایش راه یابند، و آنان که بیشتر بشارت یافتند، به سبب نافرمانی راه نیافتند،^۷ پس خدا دیگر بار روزی خاص را مقرر فرمود، و پس از گذشت سالهای بسیار، در مزامیر داوود، از «امروز» سخن گفت و آن‌گونه که بیشتر بیان شد، فرمود:

«امروز، اگر صدای او را می‌شنوید،

دل خود را سخت مسازید.»

^۸ زیرا اگر یوشع به آنها استراحت بخشیده بود، مدتها بعد، خدا از روزی دیگر سخن نمی‌گفت.^۹ پس قوم خدا هنوز باید از آسایش شَبَّات* برخوردار شوند؛^{۱۰} زیرا هر کس که به آسایش خدا داخل می‌شود، او نیز از کارهای خود آسودگی می‌یابد، همان‌گونه که خدا از کارهای خود برآسود.^{۱۱} پس بیایید به جدّ بکوشیم تا به آن آسایش راه یابیم، مبدا کسی از نافرمانی آنان سرمشق گیرد و در لغزد.

^{۱۲} زیرا کلام خدا زنده و مؤثر است و بُرنده‌تر از هر شمشیر دودم، و چنان نافذ که نفس و روح، و مفاصل و مغز استخوان را نیز جدا می‌کند، و سنجشگر افکار و نیتهای دل است.^{۱۳} هیچ چیز در تمام آفرینش از نظر خدا پنهان نیست، بلکه همه چیز در برابر چشمان او که حساب ما با اوست، عریان و آشکار است.

عیسی، کاهن اعظم ما

^{۱۴} پس چون کاهن اعظمی والامقام داریم که از آسمانها در گذشته است،*

۹:۴ یا: «از جشن شَبَّات».

۱۴:۴ یا: «به آسمان رفته است».

۴:۴ پیدایش ۲:۲. ۷:۴ مزمو ۷:۹۵ و ۸.

یعنی عیسی پسر خدا، بیایید اعتراف خود را استوار نگاه داریم.^{۱۵} زیرا کاهن اعظم ما چنان نیست که نتواند با ضعفهای ما همدردی کند، بلکه کسی است که از هر حیث همچون ما وسوسه شده است، بدون اینکه گناه کند.^{۱۶} پس آزادانه* به تخت فیض نزدیک شویم تا رحمت بیاییم و فیضی را حاصل کنیم که به هنگام نیاز یاریمان دهد.

هر کاهن اعظم از میان آدمیان انتخاب می شود و به نمایندگی آدمیان در امور الهی منصوب می گردد تا هدایا و قربانیها به جهت گناهان تقدیم کند.^۱ او می تواند با آنان که ناآگاهانه به راه خطا می روند، به نرمی رفتار کند، زیرا خود نیز دارای ضعف است.^۲ از همین رو، باید نه تنها برای گناهان مردم، بلکه برای گناهان خود نیز قربانی تقدیم کند.

^۳ هیچ کس خود این افتخار را از آن خویش نمی سازد، بلکه این افتخار زمانی نصیب شخص می شود که خدا او را همانند هارون فراخواند.^۵ مسیح نیز خود جلال کهنات اعظم را از آن خویش نساخت، بلکه آن را از همان کسی دریافت کرد که به او گفت:

«تو پسر من هستی؛

امروز، من تو را پدر شده‌ام.»

^۶ و در جای دیگر می گوید:

«تو جاودانه کاهن هستی،

از مرتبهٔ ملکِ صِدِّق.»

^۷ او در ایام زندگی خود بر زمین، با فریادهای بلند و اشکها به درگاه او که قادر به رهنیدنش از مرگ بود، دعا و استغاثه کرد و به خاطر تسلیمش به خدا مستجاب شد.^۸ هر چند پسر بود، با رنجی که کشید اطاعت را آموخت.^۹ و چون کامل شد،

۱۶:۴ یا «با اطمینان» و یا «با شهامت».

۵:۵ مزمور ۲:۷. ۶:۵ مزمور ۱۱۰:۴.

همه آنان را که از او اطاعت می‌کنند، منشأ نجات ابدی گشت. ^{۱۰} و از جانب خدا تعیین شد تا کاهن اعظم باشد، از مرتبه ملکیصدق.

هشدار درباره سقوط از ایمان

^{۱۱} در این باره، مطالب بسیار برای گفتن داریم، اما شرح آنها دشوار است، چرا که گوشه‌های شما سنگین شده است. ^{۱۲} براستی که پس از گذشت این همه وقت، خود می‌بایست معلّم باشید. و با این حال نیاز دارید کسی اصول ابتدایی کلام خدا را دیگر بار از آغاز به شما بیاموزاند. شما محتاج شیرید، نه غذای سنگین! ^{۱۳} هر که شیرخوار است، با تعالیم پارسایی چندان آشنا نیست، زیرا هنوز کودک است. ^{۱۴} اما غذای سنگین از آن بالغان است که با تمرین مداوم، خود را تربیت کرده‌اند که خوب را از بد تشخیص دهند.

پس بیایید تعالیم ابتدایی درباره مسیح را پشت سر نهاده، به سوی کمال پیش برویم، و دیگر بار توبه از اعمال منتهی به مرگ،* و ایمان به خدا،^۲ و آموزش تعمیدها،* و دستگذاری‌ها، و رستاخیز مردگان و مجازات ابدی را بنیاد نهیم.^۳ و چنین نیز خواهیم کرد، هرگاه خدا اجازه دهد.

^۴ زیرا آنان که یک بار منور گشتند و طعم آن موهبت آسمانی را چشیدند و در روح القدس سهیم شدند^۵ و طعم نیکویی کلام خدا و نیروهای عصر آینده را چشیدند،^۶ اگر سقوط کنند، ممکن نیست بتوان ایشان را دیگر بار به توبه آورد، چرا که* به زیان خویش، پسر خدا را باز بر صلیب می‌کنند و او را در برابر چشم همگان بی حرمت می‌سازند.

^۷ اگر زمینی، بارانی را که بارها بر آن می‌بارد جذب کند و برای کسانی که به خاطر آنها کشت شده است محصول مفید بار آورد، از خدا برکت می‌یابد.^۸ اما

۱: ۶ یا: «توبه از مراسم بیهوده».

۲: ۶ یا «غسلها».

۶: ۶ یا: «در حالی که».

زمینی که خار و خس بار می‌آورد، بی‌ارزش است و در خطر لعنت قرار دارد، و سرانجام نیز سوزانده خواهد شد.

۹ ای عزیزان، هرچند این چنین سخن می‌گوییم، اما در مورد شما یقین داریم که چیزهای بهتر که با نجات همراه است، نصیبتان خواهد شد. ^{۱۰} زیرا خدا بی‌انصاف نیست که عمل شما و محبتی را که به خاطر نام او در خدمت به مقدّسان* نشان داده و می‌دهید فراموش کند. ^{۱۱} آرزوی ما این است که هر یک از شما همین جدیت را برای تحقق امیدتان تا به آخر نشان دهید، ^{۱۲} و کاهل نباشید، بلکه از کسانی سرمشق گیرید که با ایمان و شکیبایی وارث وعده‌ها می‌شوند.

قطعی بودن وعده‌های خدا

^{۱۳} هنگامی که خدا به ابراهیم وعده داد، چون بزرگتری از خودش نبود که به او سوگند خورد، پس به خود سوگند خورد ^{۱۴} و فرمود: «به یقین تو را برکت خواهم داد و فرزندان بسیار به تو خواهم بخشید.» ^{۱۵} و بدین‌گونه، ابراهیم پس از آنکه با شکیبایی انتظار کشید، وعده را یافت.

^{۱۶} آدمیان به کسی بزرگتر از خود سوگند می‌خورند و سوگند، سخن شخص را تضمین می‌کند و به همه بحثها پایان می‌بخشد. ^{۱۷} به همین‌سان، چون خدا خواست تغییرناپذیر بودن قصد خود را بر وارثان وعده‌ها هرچه آشکارتر سازد، آن را با سوگند تضمین کرد، ^{۱۸} تا به واسطه دو امر تغییرناپذیر، که ممکن نیست خدا درباره آنها دروغ بگوید، ما از دلگرمی بسیار برخوردار شویم، ما که گریخته‌ایم تا امیدی را که پیش روی ما قرار داده شده است، به چنگ گیریم. ^{۱۹} این امید، به منزله لنگری محکم و ایمن برای جان ماست، امیدی که به محراب پشت پرده راه می‌یابد، ^{۲۰} جایی که عیسی چون پیشرو ما، و به

۶: ۱۰ منظور قوم مقدّس خدا یعنی مؤمنان به عیسی مسیح است؛ همچنین در بقیه کتاب.

۶: ۱۴ پیدایش ۲۲: ۱۷.

نمایندگی از ما، داخل شد؛ همان که جاودانه کاهن اعظم شده است، از مرتبهٔ **مَلْکِیَصِدِیق**.

کِهانتِ مَلْکِیَصِدِیق

این **مَلْکِیَصِدِیق**، پادشاه سالیم و کاهن خدای متعال بود. او به ابراهیم که از شکست دادن پادشاهان بازمی گشت، برخورد و او را برکت داد.^۲ و ابراهیم به همین شخص از همه چیز دهیک داد. نام او نخست به معنی «پادشاه پارسایی» و بعد «پادشاه سالیم»، یعنی «پادشاه صلح» است.^۳ او به لحاظ اینکه نه پدر و نه مادر و نه نسب‌نامه‌اش معلوم است، و نه آغاز ایام یا پایان زندگی‌اش، شبیه پسر خدا بوده، همیشه کاهن باقی می ماند.

^۴ بنگرید که او چه شخص بزرگی بود که حتی ابراهیم پاتریارک* از غنایم به او دهیک داد! ^۵ حال، بنا بر حکم شریعت، فرزندان لاوی که کاهن می شوند، می باید از قوم که برادران ایشانند دهیک بگیرند، هر چند آنها نیز از نسل ابراهیم‌اند. ^۶ اما این شخص که از نسل لاوی نبود، از ابراهیم دهیک گرفت و او را که صاحب وعده‌ها بود، برکت داد. ^۷ و بدون شک، کوچکتر است که از بزرگتر برکت می یابد. ^۸ در یکی، کسانی دهیک می گیرند که می میرند؛ اما در دیگری، کسی که درباره‌اش شهادت داده شده که زنده است. ^۹ حتی می توان گفت که خود لاوی هم که دریافت‌کنندهٔ دهیک بود، به واسطهٔ ابراهیم دهیک داد. ^{۱۰} زیرا هنگامی که **مَلْکِیَصِدِیق** به ابراهیم برخورد، لاوی در همان وقت نیز در **صُلْبِ جَدِّش** وجود داشت.

شِباهتِ مَلْکِیَصِدِیقِ بَه عِیْسِی

^{۱۱} اگر دستیابی به کمال، از طریق نظام کِهانتِ لاوی میسر بود - چرا که قوم قوانینی را در خصوص آن دریافت کرده بودند - چه لزومی داشت کاهنی دیگر،

۴:۷ «پاتریارک» به معنی «نیای بزرگ» است.

نه از مرتبه هارون، بلکه از مرتبه مَلْکِیَصِدِیق ظهور کند؟^{۱۲} زیرا اگر نظام کهنات تغییر کند، ناگزیر شریعت نیز می‌باید تغییر یابد.^{۱۳} زیرا کسی که این مطالب درباره او گفته شده، به قبیله‌ای دیگر تعلق دارد که از آن قبیله کسی هرگز خدمت مذبح را نکرده است؛^{۱۴} چون کاملاً روشن است که خداوند ما از نسل یهودا بود و موسی در مورد آن قبیله چیزی راجع به کهنات نگفت.^{۱۵} و از این هم روشنتر آنکه هرگاه کاهنی دیگر همانند مَلْکِیَصِدِیق ظهور کند،^{۱۶} او نه بر پایه حکم شرعی مربوط به نَسَب خود، بلکه بر پایه نیروی حیاتی فناپذیر، کاهن می‌شود.^{۱۷} زیرا درباره او چنین شهادت داده شده که:

«تو جاودانه کاهن هستی،

از مرتبه مَلْکِیَصِدِیق.»

^{۱۸} حکم پیشین منسوخ شد، چون سست و بی‌فایده بود،^{۱۹} زیرا شریعت هیچ چیز را کامل نکرد. در مقابل، امیدی بهتر ارائه شد که از طریق آن به خدا نزدیک می‌شویم.

^{۲۰} و این بدون سوگند نبود! دیگران بدون هیچ سوگندی کاهن شدند،^{۲۱} اما کاهن شدن او با سوگند همراه بود، آنگاه که خدا به وی گفت:

«خداوند سوگند خورده است

و نظر خود را تغییر نخواهد داد:

”تو جاودانه کاهن هستی.“

^{۲۲} به خاطر این سوگند، عیسی ضامن عهدی بهتر شده است.

^{۲۳} شمار کاهنان پیشین بس زیاد بود، زیرا مرگ مانع از ادامه خدمت آنها می‌شد.^{۲۴} حال آنکه عیسی چون تا ابد زنده است، کهنات بی‌پایان دارد.^{۲۵} پس او قادر است آنان را که از طریق وی نزد خدا می‌آیند، جاودانه نجات بخشد،* زیرا

۲۵:۷ یا: «... به کمال نجات بخشد».

۱۷:۷ مزمور ۴:۱۱۰. ۲۱:۷ مزمور ۴:۱۱۰.

همیشه زنده است تا برایشان شفاعت کند.

^{۲۶} ما به چنین کاهن اعظمی نیاز داشتیم، کاهنی قدوس، بی عیب، پاک، جدا از گناهکاران، و فراتر از آسمانها. ^{۲۷} برخلاف دیگر کاهنان اعظم، او نیازی ندارد هر روز، نخست برای گناهان خود و سپس برای گناهان قوم، قربانی تقدیم کند. بلکه آنگاه که خود را تقدیم کرد، یک بار برای همیشه برای گناهان ایشان قربانی داد. ^{۲۸} زیرا شریعت، انسانهایی ضعیف را به کهنات اعظم برمی گمارد، اما سوگندی که پس از شریعت آمد، پسر را برگماشت، که جاودانه کامل شده است.

کاهن اعظم عهد جدید

▲ جان کلام در آنچه می گوئیم این است که ما چنین کاهن اعظمی داریم که بر جانب راست تختِ مقام کبریا در آسمان نشسته ^۲ و خدمتگزار مکان اقدس یعنی آن خیمه حقیقی است که خداوند بر پا کرده، نه انسان. ^۳ هر کاهن اعظم برای تقدیم هدایا و قربانیها منصوب می شود. از همین رو، این کاهن نیز می بایست چیزی برای تقدیم کردن داشته باشد. ^۴ اگر او بر زمین بود، کاهن نمی بود، زیرا کاهنانی دیگر هستند که بنا بر شریعت هدایا تقدیم می کنند. ^۵ اما آنها تنها شبیه و سایه چیزهای آسمانی را خدمت می کنند. به همین سبب، هنگامی که موسی می خواست خیمه را بسازد، به او هشدار داده شد: «آگاه باش که همه چیز را مطابق نمونه ای بسازی که بر فراز کوه به تو نشان داده شد.» ^۶ اما خدمتی که عیسی یافته، به مراتب برتر از خدمت آنهاست، به همان میزان که او واسطه عهدی به مراتب بهتر از عهد قدیم است، عهدی که بر وعده های نیکوتر بنا شده است. ^۷ زیرا اگر عهدِ نخست نقصی نداشت، نیازی به طلب کردن عهدی دیگر نبود. ^۸ اما خدا نقصی یافت و بدیشان فرمود:

«خداوند می گوید، هان زمانی فرامی رسد
 که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا
 عهدی جدید خواهم بست.
 این عهد مانند عهدی نخواهد بود^۹
 که با نیاکانشان بستم،
 آن روز که دست ایشان را گرفتم
 تا از سرزمین مصر به در آورم؛
 زیرا، خداوند می گوید، ایشان به عهد من وفادار نماندند.
 پس، از ایشان روی گرداندم.
 اما خداوند چنین اعلام می کند:
 این است عهدی که پس از آن ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست.
 احکام خود را در ذهنهای ایشان خواهم نهاد،
 و بر دلهای ایشان خواهم نگاشت.
 من خدای ایشان خواهم بود،
 و ایشان قوم من خواهند بود.
 از آن پس، کسی به همسایه خود تعلیم نخواهد داد
 و یا کسی به برادر خود نخواهد گفت،
 «خداوند را بشناس،»
 زیرا همه از خُرد و بزرگ، مرا خواهند شناخت؛
 از آن رو که من شرارت ایشان را خواهم آمرزید
 و گناهانشان را دیگر به یاد نخواهم آورد.»
 خدا با سخن گفتن از عهدی «جدید»، آن عهد نخست را کهنه می سازد؛ و
 آنچه کهنه و قدیمی می شود، زود از میان خواهد رفت.

عبادت در خیمهٔ زمینی

۹ عهد نخست، قوانینی برای عبادت داشت و نیز از محرابگاهی زمینی برخوردار بود. ^۲ خیمه‌ای بر پا شده بود که در اتاق نخست* آن، چراغدان، میز، و نان تقدیمی قرار داشت؛ این مکان «قدس» خوانده می‌شد. ^۳ پشت پردهٔ دوم نیز اتاقی بود که «قدس‌الاقداس» نام داشت؛ ^۴ در این اتاق، آتشدان زَرّین بخور و صندوق عهد قرار داشت که با طلا پوشانیده شده بود. در این صندوق، ظرف زَرّین «مَنّا»، عصای هارون که شکوفه آورده بود، و الواح سنگی عهد قرار داده شده بود. ^۵ بر بالای صندوق، کروویان «جلال»* بر جایگاه کفّاره* سایه‌گستر بودند. اکنون جای آن نیست که به شرح جزئیات پردازیم.

^۶ پس از آنکه همه چیز بدین صورت نظام یافت، کاهنان مرتب به اتاق نخست داخل می‌شدند تا خدمت خود را به انجام رسانند. ^۷ اما تنها کاهن اعظم به اتاق دوم داخل می‌شد، آن هم تنها سالی یک بار، و همیشه نیز خون به همراه داشت تا برای خود و برای گناهانی که قوم ناآگاهانه کرده بودند، تقدیم کند. ^۸ روح‌القدس بدین‌گونه نشان می‌دهد که تا زمانی که اتاق* نخست برقرار است، راه ورود به مکان اقدس هنوز ظاهر نشده است. ^۹ این نمادی است از زمان حاضر که در آن، هدایا و قربانیایی تقدیم می‌شود که قادر نیست وجدان عبادت‌کننده را کاملاً پاک سازد، ^{۱۰} بلکه تنها به کار خوردن و نوشیدن و انجام آداب مختلف شستشوی آیینی می‌آید. اینها تنها تشریفاتی است ظاهری که تا فرارسیدن زمان اصلاح امور ابلاغ شده بود.

۲:۹ یا: «اتاق بیرونی».

۵:۹ منظور حضور پر جلال خدا است.

۵:۹ یا: «تخت رحمت».

۸:۹ یا «خیمه».

خون مسیح

۱۱ اما چون مسیح در مقام کاهن اعظم آن امور نیکو ظاهر گشت که هم‌اکنون واقع شده‌اند، به خیمه‌ای بزرگتر و کاملتر داخل شد که به دست انسان ساخته نشده است و به دیگر سخن، به این خلقت تعلق ندارد. ۱۲ و به خون بزها و گوساله‌ها داخل نشد، بلکه یک بار برای همیشه به خون خود به قدس الاقداس داخل شد و بهای رهایی* ابدی را حاصل کرد. ۱۳ زیرا اگر خون بزها و گاوها و پاشیدن خاکستر گوساله بر آنان که به لحاظ آیینی ناپاکند، ایشان را تقدیس می‌کند تا به ظاهر پاک باشند، ۱۴ چقدر بیشتر، خون مسیح که به واسطه آن روح جاودانی، خویشان را بی‌عیب به خدا تقدیم کرد، وجدان ما را از اعمال منتهی به مرگ* پاک خواهد ساخت تا بتوانیم خدای زنده را خدمت کنیم!

۱۵ از همین رو، مسیح واسطه عهدی است جدید، تا فراخواندگان بتوانند میراث جاودانی موعود را دریافت کنند. زیرا اکنون مرگی به منزله بهای رهایی رخ داده تا آنان را از گناهانی که در متن عهد نخست واقع شد، آزاد سازد. ۱۶ زیرا در هر عهدی،* لازم است مرگ عاملی که عهد را رسمیت می‌بخشد* به میان آید، ۱۷ زیرا هر عهدی تنها بر اساس چنین مرگی ارزش قانونی می‌یابد؛ چون تا زمانی که عامل رسمیت‌بخشنده به عهد زنده است، آن عهد اعتباری ندارد. ۱۸ از همین رو، حتی عهد نخست نیز بدون خون، قابل اجرا نبود. ۱۹ آن هنگام که موسی هر یک از احکام شریعت را به تمامی قوم اعلام کرد، خون گوساله‌ها را گرفته، همراه با آب و پشم قرمز و شاخه‌های زوفا، بر طومار و همه قوم پاشید ۲۰ و گفت: «این است خون عهدی که خدا شما را به نگاه داشتنش حکم

۱۲:۹ «بهای رهایی» یا «فدیه»؛ همچنین در آیه ۱۵.

۱۴:۹ یا: «از مراسم بیهوده».

۱۶:۹ یا «وصیتی»؛ همچنین در آیه ۱۷.

۱۶:۹ یا: «مرگ وصیت‌کننده»؛ همچنین در آیه ۱۷.

فرموده است.»^{۲۱} همچنین آن خون را بر خیمه و بر هر آنچه در آیینهای آن به کار می‌رفت، پاشید.^{۲۲} در حقیقت، بنا بر شریعت، تقریباً همه چیز به وسیله خون پاک می‌شود و بدون ریختن خون، آمرزشی نیست.

^{۲۳} پس می‌بایست شبیه چیزهای آسمانی با این قربانیا پاک شود، اما اصل آنها با قربانیایی بهتر از اینها.^{۲۴} زیرا مسیح به محرابگاهی داخل نشد که ساخته دست بشر و تنها شبیه محرابگاه حقیقی باشد، بلکه به خود آسمان داخل شد تا اکنون به نمایندگی از ما در حضور خدا ظاهر شود.^{۲۵} و نیز به آنجا داخل نشد تا خویشتن را بارها چون قربانی تقدیم کند، همانند کاهن اعظم که هر ساله به قدس الاقداس داخل می‌شود، آن هم با خونی که خون خودش نیست.^{۲۶} زیرا در این صورت، مسیح می‌بایست از زمان آفرینش جهان، بارها رنج کشیده باشد. اما او اکنون یک بار برای همیشه در نقطه اوج تمامی اعصار* ظاهر شد تا با قربانی خود، گناه را از میان بردارد.^{۲۷} همان‌گونه که برای انسان یک بار مردن و پس از آن داوری مقرر است،^{۲۸} مسیح نیز پس از آنکه یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را بر دوش کشد، دیگر بار ظاهر خواهد شد، نه برای رفع گناه، بلکه تا آنان را که مشتاقانه چشم‌به‌راه اویند، نجات بخشد.

قربانی یگانه مسیح

شریعت فقط سایه چیزهای نیکوی آینده است، نه صورت واقعی آنها. از همین رو، هرگز نمی‌تواند با قربانیایی که سال به سال پیوسته تکرار می‌شود، آنان را که برای عبادت نزدیک می‌آیند، کامل سازد.^۲ وگرنه آیا تقدیم آنها متوقف نمی‌شد؟ زیرا در آن صورت، عبادت‌کنندگان یک بار برای همیشه پاک می‌شدند و از آن پس دیگر برای گناهان خود احساس تقصیر نمی‌کردند.

۹: ۲۶ یا: «در پایان تمامی اعصار».

۹: ۲۰ خروج ۸: ۲۴.

۳ اما آن قربانیها هر سال یادآور گناهانند،^۴ چرا که ممکن نیست خون گاوها و بزها گناهان را از میان بردارد.

۵ از این رو، هنگامی که مسیح به جهان آمد، فرمود:

«قربانی و هدیه را نخواستی،

اما بدنی برای من مهیا ساختی.

۶ از هدایای سوختنی و قربانیهای گناه خشنود نبودی.

۷ آنگاه گفتم: «اینک من خود می‌آیم،

تا اراده‌تو را ای خدا به‌جای آورم؛

در طومار کتاب دربارهام نوشته شده است.»

۸ نخست می‌گوید: «قربانی و هدیه، هدایای سوختنی و قربانیهای گناه را

نخواستی و از آنها خشنود نبودی»، هرچند شریعت خواهان انجامشان بود.

۹ سپس می‌فرماید: «اینک من خود می‌آیم تا اراده‌تو را به‌جای آورم.» پس اولی

را باطل می‌کند تا دومی را برقرار سازد. ۱۰ به واسطه همین اراده، ما یک بار برای

همیشه، از طریق قربانی بدن عیسی مسیح تقدیس شده‌ایم.

۱۱ هر کاهن، هر روز به خدمت می‌ایستد و همان قربانیها را که هرگز نمی‌توانند

گناهان را از میان بردارند، بارها می‌گذرانند. ۱۲ اما این کاهن، چون برای همیشه یک

قربانی به جهت گناهان تقدیم کرد، به دست راست خدا بنشست. ۱۳ از آن هنگام،

در انتظار است که دشمنانش کرسی زیر پایش گردند، ۱۴ زیرا با یک قربانی،

تقدیس شدگان را تا ابد کامل ساخته است.

۱۵ روح القدس نیز در این خصوص به ما گواهی می‌دهد. ابتدا می‌فرماید:

۱۶ «خداوند اعلام می‌کند،

این است عهدی که پس از آن ایام با ایشان خواهم بست.

احکام خود را در دل‌های ایشان خواهم نهاد،

و بر ذهنهای ایشان خواهم نگاشت.»

^{۱۷} سپس می‌افزاید:

«گناهان و نافرمانیهای ایشان را

به یقین دیگر به یاد نخواهم آورد.»

^{۱۸} آنجا که اینها آمرزیده شده باشند، دیگر جایی برای قربانی گناه باقی نمی‌ماند.

دعوت به پایداری

^{۱۹} پس ای برادران، از آنجا که به خون عیسی می‌توانیم آزادانه* به مکان اقدس داخل شویم، ^{۲۰} یعنی از راهی تازه و زنده که از میان آن پرده که بدن اوست، بر ما گشوده شده است، ^{۲۱} و از آنجا که کاهنی بزرگ بر خانه خدا داریم، ^{۲۲} بیایید با اخلاص قلبی و اطمینان کامل ایمان به حضور خدا نزدیک شویم، در حالی که دل‌هایمان از هر احساس تقصیر زدوده و بدن‌هایمان با آب پاک شسته شده است. ^{۲۳} بیایید بی‌تزلزل، امیدی را که به آن معترفیم همچنان استوار نگاه داریم، زیرا وعده‌دهنده امین است. ^{۲۴} و در فکر آن باشیم که چگونه می‌توانیم یکدیگر را به محبت و انجام اعمال نیکو برانگیزانیم. ^{۲۵} و از گرد آمدن با یکدیگر دست نکشیم، چنانکه بعضی را عادت شده است، بلکه یکدیگر را بیشتر تشویق کنیم - بخصوص اکنون که شاهد نزدیکتر شدن آن روز هستید.

^{۲۶} زیرا اگر پس از بهره‌مندی از شناخت حقیقت، عمداً به گناه کردن ادامه دهیم، دیگر هیچ قربانی برای گناهان باقی نمی‌ماند؛ ^{۲۷} آنچه می‌ماند، انتظار هولناک مجازات و آتشی مهیب است که دشمنان خدا را فرو خواهد بلعید. ^{۲۸} هر که شریعت موسی را رد می‌کرد، بنا بر گواهی دو یا سه شاهد، بدون ترحم کشته می‌شد. ^{۲۹} حال به گمان شما چقدر بیشتر کسی که پسر خدا را پایمال

۱۹:۱۰ یا: «با اطمینان» و یا «با شهامت».

۱۶:۱۰ اِرمیا ۳۱:۳۳. ۱۷:۱۰ اِرمیا ۳۱:۳۴.

کرده و خون عهدی را که بدان تقدیس شده بود، ناپاک شمرده و به روح فیض، بی حرمتی روا داشته است، سزاوار مجازاتی بس سخت تر خواهد بود؟^{۳۰} زیرا او را می شناسیم که فرموده است: «انتقام از آن من است؛ من هستم که سزا خواهم داد،» و نیز: «خداوند قوم خود را مجازات خواهد کرد.»^{۳۱} آری، افتادن به دستهای خدای زنده چیزی هولناک است.

^{۳۲} آن روزهای پیشین را به یاد آورید، زمانی را که تازه منور شده بودید؛ در آن روزها، با تحمل رنج و زحمت، در مبارزه‌ای عظیم ایستادگی به خرج دادید.^{۳۳} گاهی در برابر چشم همگان مورد اهانت و آزار قرار می گرفتید و گاهی دوش به دوش کسانی می ایستادید که با ایشان چنین رفتار می شد.^{۳۴} با آنان که در زندان بودند، همدردی می کردید و تاراج اموال خود را با شادی می پذیرفتید، زیرا می دانستید از داراییهای بهتر که جاودانی است، برخوردارید.

^{۳۵} پس این آزادگی* خود را ترک مگویید، زیرا پاداشی عظیم در پی خواهد داشت.^{۳۶} چون لازم است پایداری کنید تا آنگاه که اراده خدا را به انجام رساندید، وعده را بیابید.^{۳۷} زیرا پس از اندک زمانی

«او که باید بیاید، خواهد آمد

و تأخیر نخواهد کرد.

^{۳۸} اما شخص پارسای من

به ایمان* زیست خواهد کرد.

و اگر به عقب برگردد،

از او خشنود نخواهم شد.»

۱۰:۳۵ یا «اطمینان» و یا «شهامت».

۱۰:۳۸ یا «وفاداری»؛ همچنین در آیه ۳۹.

۱۰:۳۰ تثنیه ۳۲:۳۵. ۱۰:۳۰ تثنیه ۳۶:۳۲ و مزمو ۱۳۵:۱۴. ۱۰:۳۸ جَبَقُوق

۲:۳ و ۴.

^{۳۹} لیکن ما از کسانی نیستیم که به عقب برمی‌گردند و هلاک می‌شوند، بلکه از آنانیم که ایمان دارند و حیات می‌یابند.

قهرمانان ایمان

۱۱ ایمان، ضامن چیزهایی است که بدان امید داریم و برهان آنچه هنوز نمی‌بینیم.^۲ به سبب ایمان بود که دربارهٔ پیشینیان* به نیکویی شهادت داده شد.

^۳ با ایمان است که درمی‌یابیم کائنات به وسیلهٔ کلام خدا شکل گرفت، بدان‌گونه که آنچه دیده می‌شود از آنچه دیدنی است، پدید نیامد.*
^۴ با ایمان بود که هابیل قربانی‌ای نیکوتر از قربانی قائن به خدا تقدیم کرد، و به سبب همین ایمان دربارهٔ او شهادت داده شد که پارساست، زیرا خدا دربارهٔ هدایای او به نیکویی شهادت داد. به همین سبب، هرچند چشم از جهان فروبسته، هنوز سخن می‌گوید.

^۵ با ایمان بود که خنوخ از این جهان منتقل شد تا طعم مرگ را نچشد و دیگر یافت نشد، چون خدا او را منتقل ساخت. زیرا پیش از آنکه انتقال یابد، دربارهٔ او شهادت داده شد که خدا را خشنود ساخته است.^۶ و بدون ایمان ممکن نیست بتوان خدا را خشنود ساخت، زیرا هر که به او نزدیک می‌شود، باید ایمان داشته باشد که او هست و جویندگان خود را پاداش می‌دهد.

^۷ با ایمان بود که نوح هنگامی که از جانب خدا دربارهٔ اموری که تا آن زمان دیده نشده بود هشدار یافت، آن را با خداترسی به جد گرفت و برای نجات خانوادهٔ خویش کشتی ساخت. او با ایمان خود دنیا را محکوم کرد و وارث آن پارسایی شد که بر ایمان استوار است.

۱: ۱۱ یا: «ایمان، اطمینان بر چیزهایی است که بدان امید داریم و یقین به آنچه هنوز نمی‌بینیم».

۲: ۱۱ یا: «نیاکان ما».

۳: ۱۱ یا: «... آنچه دیده می‌شود از چیزهای نادیدنی پدید آمد».

^۸ با ایمان بود که ابراهیم هنگامی که فراخوانده شد، اطاعت کرد و حاضر شد به جایی رود که بعدها به میراث می‌یافت؛ و هر چند نمی‌دانست کجا می‌رود، روانه شد. ^۹ با ایمان بود که در سرزمین موعود، همچون بیگانه‌ای در دیار غریب خانه‌به‌دوش گردید و همانند اسحاق و یعقوب که با او وارث همان وعده بودند، در خیمه‌ها ساکن شد. ^{۱۰} زیرا چشم‌انتظار شهری بود با بنیاد، که معمار و سازنده‌اش خداست.

^{۱۱} با ایمان بود که ابراهیم توانایی یافت نسلی داشته باشد، با اینکه سارا نازا و خود او نیز سالخورده بود؛* چرا که وعده‌دهنده را امین شمرد. ^{۱۲} این گونه، از یک تن، آن هم از کسی که تقریباً مرده بود، نسلی کثیر همچون ستارگان آسمان، و بی‌شمار مانند شنهای ساحل دریا، پدید آمد.

^{۱۳} اینان همه در ایمان درگذشتند، در حالی که وعده‌ها را هنوز نیافته بودند، بلکه فقط آنها را از دور دیده و خوشامد گفته بودند. ایشان تصدیق کردند که بر زمین، بیگانه و غریبند. ^{۱۴} آنان که چنین سخن می‌گویند، آشکارا نشان می‌دهند که در جستجوی وطنی هستند. ^{۱۵} اگر به سرزمینی می‌اندیشیدند که ترکش کرده بودند، فرصت بازگشت می‌داشتند. ^{۱۶} اما مشتاق سرزمینی نیکوتر بودند، مشتاق وطنی آسمانی. از همین رو، خدا عار ندارد خدای ایشان خوانده شود، زیرا شهری برایشان مهیا کرده است.

^{۱۷} با ایمان بود که ابراهیم هنگامی که آزموده شد، اسحاق را به عنوان قربانی تقدیم کرد؛ و او که وعده‌ها را پذیرفته بود حاضر شد پسر یگانه خود را قربانی کند، ^{۱۸} همان را که درباره‌اش گفته شده بود: «نسل تو از اسحاق محسوب خواهد شد.»* ^{۱۹} ابراهیم چنین اندیشید که خدا قادر است حتی مردگان را زنده کند، و

۱۱:۱۱ یا: «با ایمان بود که حتی سارا با اینکه نازا و سالخورده بود، توانایی یافت نسلی داشته باشد.»

۱۸:۱۱ یا: «نسل تو در اسحاق فراخوانده خواهد شد.»

۱۸:۱۱ پیدایش ۱۲:۲۱.

می‌توان گفت که به نوعی اسحاق را از مرگ بازیافت.

^{۲۰} با ایمان بود که اسحاق، یعقوب و عیسو را در خصوص امور آینده برکت داد.

^{۲۱} با ایمان بود که یعقوب به هنگام مرگ، هر یک از پسران یوسف را برکت داد و در حالی که بر سر عصای خود تکیه زده بود، سجده کرد.

^{۲۲} با ایمان بود که یوسف چون به پایان عمر خود نزدیک شد، از خروج بنی اسرائیل سخن گفت و درباره استخوانهای خود دستورهایی داد.

^{۲۳} با ایمان بود که والدین موسی او را پس از تولد به مدت سه ماه پنهان کردند، زیرا دیدند کودکی است بی نظیر؛ و از حکم پادشاه نهراسیدند.

^{۲۴} با ایمان بود که موسی هنگامی که بزرگ شد، نخواست پسر دختر فرعون خوانده شود. ^{۲۵} او آزار دیدن با قوم خدا را بر لذت زودگذر گناه ترجیح داد. ^{۲۶} و رسوایی به خاطر مسیح را بارزتر از گنجهای مصر شمرد، زیرا از پیش به پاداش چشم دوخته بود. ^{۲۷} با ایمان بود که او بی آنکه از خشم پادشاه بهراسد مصر را ترک گفت، زیرا آن نادیدنی را همواره در برابر چشمان خود داشت. ^{۲۸} با ایمان بود که او پسخ و پاشیدن خون را به جا آورد تا هلاک کننده نخستزادگان، بر نخستزادگان اسرائیل دست دراز نکند.

^{۲۹} با ایمان بود که قوم از میان دریای سرخ همچون زمینی خشک گذشتند؛ اما چون مصریان کوشیدند همان کار را انجام دهند، غرق شدند.

^{۳۰} با ایمان بود که دیوارهای آریحا پس از اینکه قوم هفت روز دور آن گشتند، فروریخت.

^{۳۱} با ایمان بود که راحب فاحشه همراه با نامطیعان* کشته نشد، زیرا جاسوسان را به گرمی پذیرا گردید.

^{۳۲} دیگر چه گویم؟ زیرا فرصت نیست درباره جدعون و باراق و سامسون و یفتاح و داوود و سموئیل و پیامبران سخن گویم، ^{۳۳} که با ایمان، ممالک را

فتح کردند، عدالت را برقرار نمودند، و وعده‌ها را به چنگ آوردند؛ دهان شیران را بستند،^{۳۴} شعله‌های سوزان آتش را بی‌اثر کردند و از دم شمشیر رهایی یافتند؛ ضعفشان به قوت بدل شد، در جنگ توانمند شدند و لشکریان بیگانه را تار و مار کردند.^{۳۵} زنان، مردگان خود را قیام کرده باز یافتند. اما گروهی دیگر شکنجه شدند و رهایی را نپذیرفتند، تا به رستاخیزی نیکوتر دست یابند.^{۳۶} بعضی استهزا شدند و تازیانه خوردند، و حتی به زنجیر کشیده شده، به زندان افکنده شدند.^{۳۷} سنگسار گشتند، با ازّه دوباره شدند و با شمشیر به قتل رسیدند. در جامه‌هایی محقر از پوست گوسفند و بز در هر جا گذر کرده، تنگدست، ستم‌دیده و مورد آزار بودند.^{۳۸} اینان که جهان لایقشان نبود، در بیابانها و کوهها، و غارها و شکافهای زمین، آواره بودند.

^{۳۹} اینان همه به سبب ایمانشان به نیکویی یاد شدند. با این حال، هیچ یک آنچه را که بدیشان وعده داده شده بود، نیافتند.^{۴۰} زیرا خدا از پیش چیزهایی بهتر برای ما در نظر داشت تا ایشان بدون ما به کمال نرسند.

تأدیب خدا بر فرزندان

۱۲ پس چون چنین ابری عظیم از شاهدان را گرداگرد خود داریم، بیایید هر بار اضافی و هر گناه را که آسان به دست و پای ما می‌پیچد، از خود دور کنیم و با استقامت در مسابقه‌ای که برای ما مقرر شده است، بدویم.^۲ و چشمان خود را بر قهرمان و مظهر کامل ایمان* یعنی عیسی بدوزیم که به خاطر آن خوشی که پیش رو داشت، صلیب را تحمل کرد و ننگ آن را ناچیز شمرد و اکنون بر جانب راست تخت خدا نشسته است.^۳ به او بیندیشید که چنان مخالفتی را از سوی گناهکاران تحمل کرد، تا خسته و دلسرد نشوید.

۴ هنوز در نبرد خود با گناه تا پای جان ایستادگی نکرده‌اید^۵ و آن سخن تشویق‌آمیز را از یاد برده‌اید که شما را پسران خطاب کرده، می‌گوید:

«ای پسر، تأدیب خداوند را خوار مشمار،

و چون ملامت کند، دلسرد مشو.

۶ زیرا خداوند آنان را که دوست می‌دارد، تأدیب می‌کند،

و هر فرزند خود را که مورد لطف اوست، تنبیه می‌نماید.»

۷ سختیها را به منزله تأدیب تحمل کنید؛ خدا با شما همچون پسران رفتار می‌کند.

زیرا کدام پسر است که پدرش او را تأدیب نکند؟^۸ اگر شما تأدیب نشده‌اید،

در حالی که همه از آن سهمی داشته‌اند، پس حرامزاده‌اید، نه فرزندان حقیقی.

۹ بعلاوه، همه ما پدران زمینی داشته‌ایم که تأدیبمان می‌کردند، و ما به آنها احترام

می‌گذاشتیم. حال، چقدر بیشتر باید پدر روحهایمان را اطاعت کنیم تا حیات

داشته باشیم.^{۱۰} پدران ما کوتاه زمانی بنا بر صلاحدید خود، ما را تأدیب کردند.

اما خدا برای خیریت خودمان ما را تأدیب می‌کند تا در قدوسیت او سهیم

شویم.^{۱۱} هیچ تأدیبی در حین انجام شدن، خوشایند نیست، بلکه دردناک است.

اما بعد برای کسانی که به وسیله آن تربیت شده‌اند، میوه آرامش و پارسایی به

بار می‌آورد.

۱۲ پس دستهای سست و زانوان لرزان خود را قوی سازید!^{۱۳} برای پاهای خود

راههای هموار بسازید، تا پای لنگ بیشتر صدمه نبیند، بلکه شفا یابد.

هشدار در مورد بازگشت به گناه

۱۴ سخت بکوشید که با همه مردم در صلح و صفا به سر برید و مقدس

باشید، زیرا بدون قدوسیت هیچ‌کس خداوند را نخواهد دید.^{۱۵} مواظب باشید

کسی از فیض خدا محروم نشود، و هیچ ریشه تلخی نمو نکند، مبدا موجب

ناآرامی شود و بسیاری را آلوده کند.^{۱۶} هشیار باشید که هیچ یک از شما فاسد* یا همچون عیسو دنیوی نشود که به خاطر کاسه‌ای آش، حق پسر ارشد بودن خود را فروخت.^{۱۷} و چنانکه می‌دانید، بعد که خواهان به میراث بردن آن برکت بود، مقبول واقع نشد. و هر چند با زاری در پی آن بود، جای توبه پیدا نکرد.

^{۱۸} زیرا به کوهی نزدیک نیامده‌اید که بتوان لمس کرد، کوهی که مشتعل به آتش باشد؛ و نه به تاریکی و تیرگی و باد شدید؛^{۱۹} و نه به نفیر شیپور و یا به آواز کلامی که شنوندگان التماس کردند دیگر با ایشان سخن نگوید.^{۲۰} زیرا تحمّل آن فرمان را نداشتند که می‌گفت، «حتی اگر حیوانی کوه را لمس کند، می‌باید سنگسار شود.»^{۲۱} آن منظره چنان هراسناک بود که موسی گفت: «از ترس به خود می‌لرزم.»

^{۲۲} بلکه به کوه صهیون نزدیک آمده‌اید، به اورشلیم آسمانی که شهر خدای زنده است. به جمع شادمانه هزاران هزار فرشته آمده‌اید،^{۲۳} به کلیسای نخستزادگانی که نامهایشان در آسمان نوشته شده است. به خدا نزدیک شده‌اید، به خدایی که داور همه آدمیان است، و به روحهای پارسایانی که کامل شده‌اند،^{۲۴} و به عیسی که واسطه عهدهی جدید است، و به خون پاشیده‌ای که نیکوتر از خون هابیل سخن می‌گوید.

^{۲۵} بهوش باشید که از گوش فرادادن به آن که سخن می‌گوید، سر باززنید. اگر آنان که به آن که بر زمین بدیشان هشدار داده بود گوش فراندادند، راه گریزی نیافتند، پس ما چه راه گریزی خواهیم داشت اگر از گوش فرادادن به آن که از آسمان به ما هشدار می‌دهد، سر باززنیم.^{۲۶} در آن زمان، صدای او زمین را به لرزه درآورد، اما اکنون وعده داده است که «یک بار دیگر نه تنها زمین بلکه آسمان را نیز به لرزه در خواهیم آورد.»^{۲۷} عبارت «یک بار دیگر» به از میان برداشته شدن*

۱۶:۱۶ یا «مرتد».

۲۷:۱۶ یا: «به تبدیل».

۲۰:۱۲ خروج ۱۹:۱۲ و ۱۳. ۲۱:۱۲ تثبیه ۹:۱۹. ۲۶:۱۲ حَجّی ۲:۶.

چیزهایی اشاره دارد که به لرزه درمی آیند - یعنی چیزهای آفریده شده - تا آنچه تزلزل ناپذیر است، باقی بماند.

^{۲۸} پس چون پادشاهی ای را می یابیم که تزلزل ناپذیر است، بیایید شکرگزار باشیم و خدا را با ترس و هیبت عبادتی پسندیده نماییم، ^{۲۹} زیرا «خداى ما آتش سوزاننده است.»

اندرزهای پایانی

۱۳ محبت برادرانه همچنان برقرار باشد. ^۲ از میهمان نوازی نسبت به غریبان غافل مباشید، چرا که با این کار، بعضی نادانسته از فرشتگان پذیرایی کردند. ^۳ آنان را که در زندانند به یاد داشته باشید، چنانکه گویی خود نیز با ایشان در بندید؛ همچنین به یاد کسانی باشید که آزار می بینند، چنانکه گویی خود نیز جسماً رنج می کشید.

^۴ زناشویی باید در نظر همگان محترم باشد و بسترش پاک نگاه داشته شود، زیرا خدا بی عفتان و زناکاران را مجازات خواهد کرد. ^۵ زندگی شما بری از پولدوستی باشد و به آنچه دارید قناعت کنید، زیرا خدا فرموده است:

«تو را هرگز و نخواهم گذاشت،

و هرگز فراموش نخواهم کرد.»

^۶ پس با اطمینان می گوئیم:

«خداوند یاور من است، پس نخواهم ترسید.

انسان به من چه تواند کرد؟»

^۷ رهبران خود را که کلام خدا را برای شما بیان کردند، به یاد داشته باشید. به ثمره شیوه زندگی آنها توجه کنید و از ایمانشان سرمشق گیرید. ^۸ عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابد همان است.

۹ با تعالیم مختلف و عجیب از راه به در مشوید؛ زیرا نیکوست که دل انسان از فیض تقویت یابد، نه از خوراکهایی که برای معتقدان به آنها نفعی ندارد. ۱۰ ما مذهبی داریم که خدمتگزارانِ خیمه حق ندارند از آنچه بر آن است بخورند.

۱۱ کاهن اعظم، خون حیوانات را به عنوان قربانی گناه به قدس الاقداس می برد، اما لاشه‌ها بیرون از خیمه‌گاه سوزانده می شوند. ۱۲ به همین سان، عیسی نیز بیرون دروازه شهر رنج کشید تا با خون خود، قوم را تقدیس کند. ۱۳ پس بیاید در حالی که همان ننگ را که او متحمل شد، بر خود حمل می کنیم، نزد او بیرون از اردوگاه برویم. ۱۴ زیرا در اینجا شهری ماندگار نداریم بلکه مشتاقانه در انتظار آن شهر آینده هستیم.

۱۵ پس بیاید به واسطه عیسی قربانی سپاس را پیوسته به خدا تقدیم کنیم. این قربانی، همان ثمره لبهایی است که به نام او معترفند. ۱۶ از نیکویی کردن و سهم نمودن دیگران در آنچه دارید غفلت مورزید، زیرا خدا از چنین قربانیها خشنود است.

۱۷ از رهبران خود اطاعت کنید و تسلیم آنها باشید؛ زیرا ایشان بر جانهای شما دیده‌بانی می کنند و باید حساب بدهند. پس بگذارید کار خود را با شادمانی انجام دهند نه با آه و ناله، زیرا این به نفع شما نخواهد بود.

۱۸ برای ما دعا کنید، زیرا مطمئنیم که وجدانمان پاک است و می خواهیم از هر جهت با سربلندی زندگی کنیم. ۱۹ بخصوص از شما استدعا دارم دعا کنید که بتوانم هرچه زودتر نزدتان بازگردم.

۲۰ حال، خدای آرامش که شبان اعظم گوسفندان یعنی خداوند ما عیسی را به خون آن عهد ابدی از مردگان برخیزانید، ۲۱ شما را به هر چیز نیکو مجهز گرداند تا اراده او را به انجام رسانید. باشد که او هر آنچه را که موجب خشنودی اوست به واسطه عیسی مسیح در ما به عمل آورد، که او را جلال جاودانه باد. آمین.

۲۲ ای برادران، از شما می‌خواهم این کلام نصیحت‌آمیز مرا تحمل کنید، زیرا به اختصار به شما نوشته‌ام.

۲۳ بدانید که برادر ما تیموتائوس آزاد شده است. اگر او زود بیاید، با او به دیدارتان خواهم آمد.

۲۴ به همه رهبران خود و به تمام مقدّسان سلام برسانید. آنان که از ایتالیا هستند، به شما سلام می‌گویند.

۲۵ فیض با همه شما باد.